

اخلاق و فضائل امام محمد باقر(ع)

امام باقر(ع)، در میان خاندان پیامبر(ص) نخستین کسی بود که هم پدر و هم مادر وی فاطمی و علوی بودند؛ زیرا پدر او امام زین العابدین(ع) فرزند امام حسین(ع) و مادرش فاطمه (مکنی به ام عبدالله) دختر امام حسن مجتبی(ع) بود که از زنان با فضیلت و دانشمند بنی هاشم به حساب می آمد.



امام باقر(ع)، در میان خاندان پیامبر(ص) نخستین کسی بود که هم پدر و هم مادر وی فاطمی و علوی بودند؛ زیرا پدر او امام زین العابدین(ع) فرزند امام حسین(ع) و مادرش فاطمه (مکنی به ام عبدالله) دختر امام حسن مجتبی(ع) بود که از زنان با فضیلت و دانشمند بنی هاشم به حساب می آمد.

پیشوای پنجم شیعیان، روز جمعه اول ما رجب، سال ۵۷ هجری در مدینه دیده به جهان گشود. دهها سال پیش از تولد وی، نیای بزرگوارش پیامبر اکرم(ص) نام خود «محمد» را برای وی برگزیده و او را به لقب «باقر» ملقب فرمود.

امام باقر(ع)، در میان خاندان پیامبر(ص) نخستین کسی بود که هم پدر و هم مادر وی فاطمی و علوی بودند؛ زیرا پدر او امام زین العابدین(ع) فرزند امام حسین(ع) و مادرش فاطمه (مکنی به ام عبدالله) دختر امام حسن مجتبی(ع) بود که از زنان با فضیلت و دانشمند بنی هاشم به حساب می آمد و امام صادق(ع) او را «صدیقه» لقب داده بود و می فرمود: در خاندان حضرت مجتبی(ع) هیچ زنی به پایه ی فضیلت او نمی رسید.

امام باقر(ع) و پیشگویی پیامبر(ص)

جابر بن عبدالله انصاری، از یاران پارسای رسول خدا(ص) بود. روزی پیامبر(ص) به وی فرمود: ای جابر تو زنده می مانی تا آنکه فرزندم «محمد بن علی بن الحسین علیهم السلام» را که در تورات به «باقر» معروف است ملاقات کنی، چون وی را ملاقات کردی سلام مرا به او برسان.

جابر پس از رحلت رسول خدا(ص) در حالی که از شدت علاقمندی و عشق به خاندان نبوت از همه گسسته و به اهل بیت علیهم السلام پیوسته بود در مسجد پیغمبر(ص) می-نشست و به امید دیدار پیشوای پنجم(ع) و در انتظار رسیدن آن لحظه ی موعود برای رساندن سلام رسول اکرم(ص) فریاد بر می آورد: «یا باقر العلم» «یا باقر العلم» ای شکافنده ی علم، ای شکافنده ی دانش.

مردم مدینه و آنکه به این راز آگاه نبودند ونداشند می گفتند: جابر (بر اثر پیری و ضعف نیروی اندیشه) هذیان می گوید.

جابر در پاسخ آنان می گفت: نه به خدا هذیان نمی گویم و لیکن از رسول خدا(ص) شنیدم که می فرمود: «تو به زودی مردی از خاندان مرا درک خواهی کرد که نام او نام من و شمایل او شمایل من است، علم و دانش را می شکافد» من بر اساس پیشگویی پیامبر(ص) این سخن را بر زبان می آورم.

جابر عمری دراز یافت تا اینکه ونداشند طبق نقل امام صادق(ع) ونداشند روزی امام باقر(ع) به نزد وی رفت و بر او سلام کرد. جابر جواب سلام را داد و چون نابینا بود پرسید: چه کسی هستی؟ فرمود: محمد بن علی بن الحسین. جابر گفت: فرزندم پیش بیا، امام(ع) نزدیک رفت. جابر دست امام(ع) را بوسید و خود را روی پای وی انداخت، می بوسید و می گفت: رسول خدا(ص) تو را سلام رسانده است... .

و از آن پس جابر پیوسته خدمت امام(ع) می رسید و از محضر پر فیضش استفاده می کرد.

ویژگیهای اخلاقی

امام محمد باقر(ع) از نظر رفتار و ویژگیهای اخلاقی ونداشند همانگونه که در کلام جابر آمده بود ونداشند آئینه تمام نمای رسول گرامی اسلام(ص) بود. اینک به شمه ای از شیوه زندگی و ویژگیهای اخلاقی آن بزرگوار اشاره می کنیم.

نیایش و ارتباط با خدا

امام باقر(ع) در عبادت و یاد خدا همچون پدرش امام سجاد(ع) بود. امام صادق(ع) در این مورد می فرماید: پدرم همواره به یاد خدا بود، در حال راه رفتن، غذا خوردن، و حتی هنگام سخن گفتن با مردم ذکر خدا می گفت. (بدون اینکه لبهائیش به هم بخورد) می دیدم که زبانش به ذکر «لا اله الا الله» در حرکت است. ما را جمع می کرد و دستور می داد (پس از نماز صبح) تا هنگام طلوع خورشید به ذکر خدا بپردازیم؛ هر کدام از ما که می توانست قرآن بخواند او را به خواندن قرآن دستور می داد و بقیه را به ذکر خدا وای داشت.

هنگامی که چشمش به کعبه می افتاد رنگ چهره اش دگرگون می گشت و اشکش جاری می شد.

خادم امام باقر (ع) نقل می کند: با امام(ع) عازم حج شدیم. هنگامی که امام(ع) داخل مسجدالحرام شد نگاهی به خانه ی خدا کرد و گریست چندانکه صدایش به گریه بلند شد. سپس به طواف پرداخت و نزد مقام به نماز ایستاد. (در سجده به اندازه ای گریسته بود که) چون سر از سجده برداشت جای سجده اش تر شده بود.

تلاش برای امرار معاش

محمد بن منکدر می گوید: فکر نمی کردم علی بن الحسین (ع) دارای جانشینی باشد که از نظر فضل و دانش به پایه ی او برسد، تا اینکه فرزندش محمد بن علی (ع) را ملاقات کردم، خواستم او را موعظه کنم ولی او مرا موعظه کرد. اطرافیانش پرسیدند: چگونه تو را موعظه کرد؟ گفت: من در موقعی که هوا خیلی گرم بود به یکی از نقاط اطراف مدینه رفتم. محمد بن علی را که مردی تنومند بود – به همین جهت به دو تن از غلامان خود تکیه داده بود – دیدم.

با خود گفتم، بروم و این مرد را که گویا از بزرگان قریش است و در این هوای گرم و با این حال در جستجوی دنیاست، موعظه کنم. نزدیک او رفتم و سلام کردم؛ او با زحمت و در حالی که به شدت عرق می ریخت جواب سلام را داد.

گفتم: خدا تو را صالح گرداند، مردی از بزرگان قریش (همچون شما) در چنین هوای گرمی در طلب دنیا می کوشد! اگر در این حالت، مرگ فرا رسد چه می کنی؟ امام(ع) فرمود: «به خدا سوگند، اگر مرگ در این حال فرا رسد، درست در هنگامی فرا رسیده است که من به طاعت خدا مشغولم تا بدین وسیله از تو و دیگران بی نیاز گردم، از مرگ در آن هنگام بیمناکم که در حال سرپیچی از فرمان خدا برسد.

گفتم: رحمت خدا بر تو باد من خواستم تو را موعظه کنم ولی تو مرا پند دادی.

جود و بخشش

امام باقر(ع) با داشتن عائله ی سنگین، و برخورداری از زندگی ساده و متوسط در بذل و بخشش از همگان پیشتازتر بود.

امام صادق(ع) می فرماید: ثروت پدرم از تمام خاندانش کمتر و مخارجش از همه افزونتر بود؛ با این حال هر جمعه یک دینار صدقه می داد.

حسن بن کثیر می گوید: از نیازمندی خود و بی توجهی دوستانم، به امام باقر(ع) شکوه نمودم. امام(ع) فرمود: «بد برادری است آنکه در زمان بی نیازی ات تو را مراعات کند ولی در هنگامه ی فقر و تهیدستی با تو قطع رابطه نماید». سپس به غلام خود دستور داد کیسه ای که حاوی هفتصد درهم بود آورد و به ابن کثیر داد و فرمود: این مبلغ را مصرف کن و هنگامی که به پایان رسید مرا در جریان بگذار.

عمرو بن دینار و عبدالله بن عبید نقل کرده اند: هرگاه با امام باقر(ع) ملاقات می کردیم به ما لباس و هزینه زندگی می داد و می فرمود: اینها را پیش از این برایتان آماده کرده ایم.

روش امام باقر(ع) این بود که هرگاه برادرانش به منزل وی می رفتند، تا به آنان طعام و لباس نیکو و مبلغی پول نمی داد، نمی گذاشت خانه اش را ترک کنند.

بردباری

مردی نصرانی خطاب به امام باقر(ع) گفت: تو بقر هستی. امام(ع) با ملایمت و خونسردی فرمود: من باقر هستم. مرد (که همچنان بر اسائه ی ادب مصر بود) گفت: تو پسر زنی آشپز هستی. امام(ع) بار دیگر با ملایمت و نرمی به وی فرمود: آشپزی حرفه ی او بود (و این ننگ نیست). نصرانی همچنان به گفتار ناهنجار خود ادامه داد و مادر امام(ع) را به نسبیتی ناروا متهم ساخت. امام(ع) با ملاطفت به وی فرمود: اگر راست می گویی، خدا او را بیمارزد و گر نه خدا تو را بیمارزد. مرد نصرانی از دیدن این برخورد امام (ع) به اشتباه خود پی برد و اسلام آورد.

صبر و شکیبایی

گروهی نزد امام باقر(ع) رفتند. در همان هنگام یکی از فرزندان آن حضرت مریض بود و آثار حزن و اندوه در سیمای مبارک امام(ع) نمودار بود ولی چیزی نمی گفت. مهمانان از دیدن این حالت، با یکدیگر به گفتگو پرداختند و از نگرانی شدید امام(ع) درباره ی فرزندش، سخن گفتند. مدتی نگذشت که کودک فوت کرد و صدای گریه از درون خانه بلند شد. در این هنگام امام(ع) با چهره ای گشاده از اتاق بیرون آمد. هنگامی که آنان از علت پدید آمدن آن حالت غیر منتظره از امام(ع) پرسیدند، فرمود: «ما دوست داریم نسبت به کسی که مورد علاقه ی ماست در عافیت و سلامت باشیم ولی چون فرمان خدا رسد آنچه او دوست می دارد تسلیم هستیم.»

هیبت امام(ع)

در همان سالی که امام باقر(ع) به مکه مشرف شد و با هشام بن عبدالملک برخورد کرد، مردم به جانب امام(ع) هجوم می بردند و مسائل و مشکلات خود را از آن حضرت می پرسیدند: عکرمه گفت: این شخص که سیمای دانشمندان دارد کیست؟ من (هم اکنون) می روم و او را آزمایش می کنم. سپس نزد امام(ع) رفت. هنگامی که در برابر وی قرار گرفت به لرزه افتاد و تعادل خود را از دست داد. با شگفتی به امام(ع) عرض کرد: ای فرزند پیامبر، من در مجالس متعددی، در مقابل ابن عباس و دیگران نشسته ام ولی چنین حالتی که اینک به مدن دست داده، هرگز برایم پیش نیامده است. امام باقر(ع) فرمود: «وای بر تو ای بنده ی شامیان، تو در برابر خانه هایی قرار گرفته ای که با اذن پروردگار، رفعت پیدا کرده و در آنها نام خدا ذکر می شود».

امام باقر(ع) از دیدگاه دانشمندان

آوازه ی وسعت علوم پیشوای پنجم(ع) آنچنان افطار کشور اسلامی را پر کرده بود که لقب «باقرالعلوم» که از جانب پیامبر(ص) به وی داده شده بود تحقق عینی پیدا کرد؛ به گونه ای که دانشمندان بزرگ او را با همین ویژگی یاد می کردند.

«عبدالله بن عطا» یکی از شخصیت‌های برجسته و دانشمندان بزرگ عصر امام(ع) می گوید: من هرگز دانشمندان اسلامی را در هیچ محفل و مجمعی کوچکتر و زبونتر از محفل محمد بن علی(ع) ندیدم. من «حکم بن عیینه» را با همه ی شخصیت و مقام علمی اش در محضر امام محمد باقر(ع) همچون کودکی دیدم که در برابر استادی عالی مقام، زانوی ادب بر زمین زده و شیفته و مجذوب کلام و شخصیت او گردیده است.

جابر بن یزید جعفی هر گاه از امام باقر(ع) حدیثی نقل می کرد می گفت: خبر داد مرا وصی اوصیا و وارث علوم انبیاء، محمد بن علی الحسین(ع)...

محمد بن مسلم می گوید: هرگز مطلبی به ذهنم خطور نکرد مگر اینکه از امام باقر(ع) سؤال کردم و پاسخ سؤالات من از آن حضرت بالغ بر سی هزار حدیث شد.

ابن حجر عسقلانی، یکی از دانشمندان عامه، می نویسد: محمد باقر(ع) به اندازه ای رموز و اسرار علوم را آشکار ساخت و حقایق و احکام و حکمتها و لطایف را بیان نمود که جز کوردلان و یا منحرفان، کسی نمی تواند آن را انکار کند، از اینرو، به شکافنده و جمع آورنده علوم بر فرازنده ی پرچم دانش لقب یافته است.

برگرفته از کتاب تاریخ اسلام در عصر امامت امام سجاد(ع) و امام باقر(ع)